



<https://ssoss.ui.ac.ir/?lang=en>

Strategic Research on Social Problems

E-ISSN: 3041-8623

Vol. 14(4), 51-70

Received: 21.04.2025 Accepted: 29.07.2025

Research Paper

Analyzing the Mediating Role of Institutional Trust in the Relationship between Online Political Engagement and Citizens' Security Threat Perceptions

Mahmoud Reza Rahbar Qazi * 

Associate professor, Department of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran
m.rahbarqazi@uma.ac.ir

Zahra Sadeghi Naghdali

Visiting Lecturer, Department of Political Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran
z.sadeghei@gmail.com

Introduction

The degree to which citizens feel secure—or insecure—profoundly influences societal dynamics, political stability, and effectiveness of governmental institutions. Often, these feelings are shaped more by personal impressions than by objective facts. In recent years, online political activities, including digital protests and information campaigns, have increasingly impacted how citizens perceive security. By facilitating rapid political organizing and information dissemination (sometimes inaccurately), social media platforms have become breeding grounds for narratives surrounding security. These narratives can heighten public anxiety, deepen societal divisions, and erode trust in institutions. Both local and foreign actors utilize digital tools to sway public opinion and exacerbate feelings of insecurity. In Iran, where traditional media are frequently restricted, social networks play a significantly larger role in shaping citizens' perceptions. Online political actions not only ignite social movements, but also intensify security concerns, leading to stricter government policies. This study examined the impact of online political activities in Iran on citizens' perceptions of security threats, aiming to elucidate the mechanisms underlying this process. Specifically, it explored how these digital actions shaped citizens' views on security and how trust in public institutions influenced these effects.

Materials & Methods

This study examined the relationship between online political participation and concerns about security threats, focusing on the potential mediating role of political distrust. We utilized data from Iranian respondents in the seventh wave of the World Values Survey (Haerpfer et al., 2020). A combination of descriptive and inferential statistical methods was employed to analyze the data. The descriptive analysis outlined the demographic characteristics and identified the main statistical patterns of the investigated variables. For the inferential analysis, we employed Partial Least Squares-Structural Equation Modeling (PLS-SEM) using Smart PLS software to explore the relationships between variables and assess the role of political distrust as a mediator. SmartPLS was chosen for its suitability to the exploratory nature of our conceptual

model, its alignment with the unique characteristics of our dataset, and its support for the study's analytical goals. Given that we were venturing into relatively uncharted territory—combining concepts, such as online political behavior, institutional trust, and security threats, where direct research was still limited—PLS-SEM proved to be a more appropriate choice than traditional covariance-based methods. Additionally, since we were working with secondary data, some variables did not follow a normal distribution, making SmartPLS a robust and justifiable option for this analysis.

Discussion of Results & Conclusion

This study demonstrated that online political engagement in Iran was linked to a decline in trust toward political and security institutions accompanied by increased concerns

*Corresponding author

Rahbar Qazi, M.R., & Sadeghi Naghdali, Z. (2025). Analyzing the mediating role of institutional trust in the relationship between online political engagement and citizens' security threat perceptions. *Strategic Research on Social Problems*, 14(4), 51-70.
<https://doi.org/10.22108/srsp.2025.144999.2108>



3041-8623/ © University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC-ND/4.0/ License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).



<https://doi.org/10.22108/srsp.2025.144999.2108>

about security threats. The relationships between online political engagement, institutional trust, and security concerns could be understood through concepts, such as filter bubbles, echo chambers, and computational propaganda. When citizens participated in online politics, social media often amplified critical and emotionally charged content, which eroded trust in institutions while heightening feelings of insecurity and social unease. In contexts like Iran, where access to traditional media was restricted, online platforms serve as the primary source of information. The findings align with previous research showing how social media fosters distrust and political polarization; however, this study was unique in directly investigating how online political actions exacerbated security concerns. While institutional

trust did play a mediating role in this dynamic—and the effect was statistically significant—its influence was relatively weak and only partially explained the relationship. This might stem from Iran’s unique context, cultural characteristics, or the specific nature of political activism within the country. Overall, the findings indicated that in societies with weak digital infrastructures and low social capital, online political participation could unintentionally intensify social and security instability without careful policymaking.

Keywords: Online Political Behavior, Institutional Trust, Security Concerns, Filter Bubbles, Computational Propaganda.



پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی

سال چهاردهم، شماره پیاپی (۵۱)، شماره چهارم، ۱۴۰۴، ص ۷۰-۵۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۷

مقاله پژوهشی

تحلیل رابطه میان کنش سیاسی آنلاین با نگرانی شهروندان از تهدیدات امنیتی از طریق میانجیگری اعتماد نهادی

محمودرضا رهبرقازی^{id*}، دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

m.rahbarqazi@uma.ac.ir

زهره صادقی نقدعلی، مدرس مدعو، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

z.sadeghei@gmail.com

چکیده

این پژوهش رابطه میان کنش سیاسی آنلاین و نگرانی شهروندان ایرانی را از تهدیدات امنیتی با تأکید بر نقش میانجی اعتماد نهادی بررسی می‌کند. با استفاده از داده‌های موج هفتم پیمایش ارزش‌های جهانی و روش تحلیل ثانویه، مدل مفهومی پژوهش با بهره‌گیری از مدل‌سازی حداقل مربعات جزئی و نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس آزمون شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که کنش سیاسی آنلاین به‌طور مستقیم با کاهش اعتماد نهادها و افزایش نگرانی از تهدیدات امنیتی مرتبط است. همچنین، اعتماد به نهادهای سیاسی و امنیتی به‌عنوان متغیر میانجی، تأثیر کنش‌های آنلاین را بر نگرانی‌های امنیتی تعدیل می‌کند. نتایج با نظریه حباب‌های فیلتر و مفاهیم مرتبط مانند اتاق‌های پژواک و پروپاگاندای رایانشی همخوانی دارد که نشان‌دهنده نقش الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی در تقویت بی‌اعتمادی و اضطراب امنیتی است. این پژوهش بر ضرورت سیاست‌گذاری‌های دیجیتال برای افزایش شفافیت الگوریتم‌ها، تقویت سواد دیجیتال و بازسازی اعتماد نهادی تأکید دارد تا اثرات منفی کنش‌های آنلاین بر انسجام اجتماعی و امنیت ملی کاهش یابد.

واژه‌های کلیدی: کنش سیاسی آنلاین، اعتماد نهادی، نگرانی‌های امنیتی، حباب‌های فیلتر، پروپاگاندای رایانشی

*نویسنده مسئول

رهبرقازی، محمودرضا. و صادقی نقدعلی، زهرا. (۱۴۰۴). تحلیل رابطه میان کنش سیاسی آنلاین با نگرانی شهروندان از تهدیدات امنیتی از طریق میانجیگری اعتماد نهادی. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۱۴(۴)، ۷۰-۵۱. <https://doi.org/10.22108/srsp.2025.144999.2108>



مقدمه و بیان مسئله

احساس شهروندان از وجود تهدیدات امنیتی نقش محوری در شکل‌دهی به پویایی‌های اجتماعی و سیاست‌گذاری‌های امنیتی دارد. این ادراک نه تنها بر نگرش و رفتار فردی شهروندان تأثیر می‌گذارد، بلکه پیامدهای کلان‌تری همچون ثبات سیاسی، انسجام اجتماعی و کارآمدی حاکمیت دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که احساس تهدید، حتی اگر با واقعیت عینی همخوانی نداشته باشد، می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های کلیدی شهروندان در حوزه‌هایی مانند اقتصاد، سیاست و فرهنگ تأثیر بگذارد (Van Der Does et al., 2021; Barash, 2020; Von Hippel et al., 2015). بنابراین، درک و فهم چرایی این احساسات، برای کاهش پیامدهای منفی و تقویت امنیت ملی امری ضروری محسوب می‌شود؛ در این راستا، به نظر می‌رسد که عوامل مختلفی می‌توانند بر روی ایجاد یا تشدید احساس وجود تهدیدات امنیتی در جامعه تأثیرگذار باشد که یکی از مهم‌ترین این عوامل گسترش کنش‌های آنلاین در میان شهروندان است. کنش‌های سیاسی آنلاین، از اعتراضات دیجیتال تا کمپین‌های اطلاعاتی، می‌توانند به شکل‌گیری یا تشدید احساس تهدیدات امنیتی در یک کشور بینجامند (Persily & Tucker, 2020). رسانه‌های اجتماعی با ایجاد فضاهایی برای بسیج سیاسی و انتشار سریع اطلاعات، زمینه را برای گسترش روایت‌های امنیتی فراهم می‌کنند که گاه با اغراق یا تحریف همراه است. این فرایند می‌تواند اضطراب جمعی را افزایش دهد و به قطبی‌شدن جامعه و کاهش اعتماد عمومی به نهادهای رسمی بینجامد (Tucker et al., 2018). همچنین، بازیگران داخلی و خارجی با استفاده از ابزارهای دیجیتال قادر هستند با دستکاری افکار عمومی یا ترویج روایت‌های متناقض، احساس ناامنی را تقویت کنند.

در این راستا، در ایران اهمیت این پدیده به‌واسطه نقش گسترده شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی به افکار عمومی و پویایی‌های سیاسی بسیار مهم است (حسن و اسماعیلی، ۱۴۰۳؛ رهبرقازی و نوعی باغبان، ۱۴۰۱). باتوجهبه محدودیت‌های رسانه‌ای سنتی، شهروندان به‌طور فزاینده‌ای به منابع آنلاین برای دریافت اطلاعات امنیتی و سیاسی وابسته‌اند که این امر زمینه را برای انتشار سریع روایت‌های متضاد و گاه متناقض فراهم می‌کند. در سال‌های اخیر، کنش‌های سیاسی آنلاین، از اعتراضات مجازی تا کمپین‌های افشاگرانه نه تنها به بسیج اجتماعی منجر شده، بلکه بر احساس ناامنی را نیز تأثیر گذاشته است (Rahbarqazi & Baghban, 2019). این پدیده می‌تواند پیامدهایی چون کاهش اعتماد عمومی، افزایش نگرانی‌های امنیتی و تشدید سیاست‌های کنترلی را در پی داشته باشد؛ ازاین‌رو، تحلیل اثرات این فضا بر احساس تهدیدات امنیتی در ایران، برای تدوین سیاست‌های کارآمد ارتباطی و امنیتی امری ضروری محسوب می‌شود.

بنابراین، این پژوهش تأثیر کنش‌های سیاسی آنلاین را بر احساس نگرانی از تهدیدات امنیتی در ایران بررسی می‌کند و تلاش دارد تا سازوکارهای این فرایند را شناسایی کند. هدف اصلی آن، تحلیل مکانیسمی است که نخست، کنش‌های سیاسی آنلاین بر ادراک عمومی از امنیت شهروندان تأثیر می‌گذارد و دوم، چگونه کنش‌های دیجیتال می‌توانند از طریق متغیر میانجی اعتماد به نهادهای عمومی به تغییر نگرش شهروندان درباره نگرانی‌های امنیتی منجر شوند.

پیشینه تحقیق

باتوجهبه متغیرهای اصلی پژوهش حاضر (کنش سیاسی آنلاین، اعتماد نهادی و نگرانی‌های امنیتی)، مطالعات پیشین را می‌توان در سه محور اصلی دسته‌بندی کرد:

جدول ۱- موضوعات مرتبط با رابطه کنش آنلاین با اعتماد نهادی

Table 1- Topics Related to the Relationship between Online Action and Institutional Trust

مطالعه	بستر	روش	نتیجه کلیدی
سردارنیا و همکاران (۱۴۰۰)	شیراز	کمی	شبکه‌های اجتماعی اثر منفی بر اعتماد نهادی دارند.
پیران‌نژاد و عبادی (۱۳۹۱)	تهران	کمی	اینترنت باوجود ارتقای مشارکت، اثر منفی بر اعتماد سیاسی دارد.
Masoudnia et al. (2023)	مصر	تحلیل داده‌های عرب‌بارومتر	شبکه‌های اجتماعی باعث افزایش بی‌اعتمادی سیاسی از طریق درک فساد و ضعف دولت شده‌اند.
Klein & Robison (2020)	آمریکا	کمی	استفاده از شبکه‌های اجتماعی موجب قطبی‌سازی و کاهش اعتماد به دولت در برخی گروه‌ها شده است.

جدول ۱ نشان‌دهنده همگرایی نسبی میان یافته‌های پژوهش‌های داخلی و خارجی در زمینه تأثیر شبکه‌های اجتماعی و اینترنت بر اعتماد سیاسی و نهادی است. در مطالعات ایرانی، مانند سردارنیا و همکاران (۱۴۰۰) و پیران‌نژاد و عبادی (۱۳۹۱)، تأکید بر اثر منفی این فضاها بر اعتماد نهادی و سیاسی مشهود است، حتی در شرایطی که مشارکت افزایش می‌یابد. یافته‌های بین‌المللی نیز این روند را تأیید می‌کنند؛ به‌ویژه پژوهش مسعودنیا و همکاران^۱ (2023) در مصر که نشان می‌دهد شبکه‌های اجتماعی

از طریق تقویت درک فساد و تضعیف تصویر دولت به بی‌اعتمادی سیاسی دامن می‌زنند و همچنین مطالعه کلاین و رابیسون^۲ (2020) در آمریکا که بر نقش این فضاها در ایجاد قطبی‌سازی سیاسی و کاهش اعتماد در گروه‌های خاص تأکید دارد. به‌طور کلی، این مطالعات حاکی از آن هستند که رشد فناوری‌های ارتباطی نوین، باوجود گشودن فرصت‌هایی برای مشارکت مدنی، می‌تواند در بسترهای خاص سیاسی و فرهنگی به تضعیف سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی بینجامد.

جدول ۲- موضوعات مرتبط با رابطه کنش آنلاین با احساس نگرانی‌های امنیتی

Table 2- Topics related to the online action-concern relationship with security concerns

مطالعه	بستر جغرافیایی	روش	نتیجه کلیدی
غلامی و همکاران (۱۴۰۰)	شیراز	کمی	اعتیاد شدید به اینترنت با اضطراب اجتماعی و افسردگی بیشتر همراه است.
شکرافشان (۱۳۹۶)	کرمان	کمی	استفاده مفرط از اینترنت با هراس اجتماعی رابطه دارد.
پورموردت و کجیاف (۱۳۹۵)	بوشهر	کمی	استفاده از شبکه‌های اجتماعی احتمال اضطراب اجتماعی را افزایش می‌دهد.
پوراکیان (۱۳۹۴)	تربت حیدریه	کمی	استفاده زیاد از اینترنت با افزایش اضطراب و استرس همراه است.
Hughes (2018)	ایرلند	کمی	همبستگی مثبت بین تعداد پلتفرم‌های استفاده‌شده و اضطراب وجود دارد.
Vannucci et al. (2017)	آمریکا	کمی	زمان استفاده بیشتر از رسانه‌های اجتماعی مساوی با افزایش علائم اضطراب است.
Turkle (2011)	-	نظری	فضای دیجیتال به اضطراب اجتماعی گسترده و انزوای سیاسی منجر می‌شود.

مطالعاتی که به‌صورت مستقیم به این رابطه پرداخته باشند محدودند، اما براساس جدول ۲ یافته‌های موجود در حوزه روان‌شناسی اجتماعی و رسانه نشان می‌دهد که

استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به افزایش اضطراب، استرس و نگرانی منجر شود. در تحقیقات ایرانی ازجمله مطالعات غلامی و همکاران (۱۴۰۰)،

² Klein & Robison¹ Masoudnia et al.

شکرافشان (۱۳۹۶)، پورموردت و کجباف (۱۳۹۵) و پوراکیان (۱۳۹۴) بر ارتباط میان استفاده زیاد از اینترنت با اضطراب اجتماعی، استرس و هراس اجتماعی تأکید شده است. به‌طور مشابه، در مطالعات خارجی مانند وانوچی و همکاران^۱ (۲۰۱۷) و هوکس^۲ (۲۰۱۸)، افزایش میزان استفاده یا تنوع پلتفرم‌ها با شدت اضطراب اجتماعی همبستگی دارد و تورکل^۳ (۲۰۱۱) نیز در تحلیل نظری خود این فضا را عامل بروز اضطراب اجتماعی گسترده و انزوای سیاسی معرفی می‌کند. وجه اشتراک مهم این

مطالعات، هشدار در برابر پیامدهای روان‌شناختی اجتماعی فضای مجازی است، اما تفاوت‌ها عمدتاً در سطح تحلیل و نوع متغیرهای میانجی نمود پیدا می‌کنند؛ به‌ویژه در مطالعات خارجی که به تفکیک پلتفرم‌ها و الگوهای مصرف نیز پرداخته شده است. در مجموع، این یافته‌ها ضرورت توجه به روان‌شناسی اجتماعی در سیاست‌گذاری فضای مجازی را در سطوح بومی و جهانی برجسته می‌سازند.

جدول ۳- موضوعات مرتبط با رابطه اعتماد نهادی با احساس نگرانی‌های امنیتی

Table 3- Topics Related to the Relationship Between Institutional Trust and Security Concerns

مطالعه	بستر جغرافیایی	روش	نتیجه کلیدی
فعلی و همکاران (۱۳۹۷)	ساری	کمی	اعتماد اجتماعی بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت اجتماعی دارد.
علیزاده اقدم و محمدی (۱۳۹۴)	تبریز	کمی	اعتماد نهادی و تعمیم‌یافته رابطه مثبت با احساس امنیت دارد.
یاری و هزارجریبی (۱۳۹۱)	کرمانشاه	کمی	میان ابعاد احساس امنیت و اعتماد اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد.
Matijević et al. (2022)	صربستان	کمی	افزایش اعتماد به دولت موجب تقویت احساس امنیت می‌شود.
Fetzner et al. (2016)	آمریکا	کمی	بی‌اعتمادی موجب تشدید اضطراب اجتماعی می‌شود.

مطالعات متعددی رابطه بین اعتماد اجتماعی و احساس امنیت بررسی کرده‌اند، اما تحقیقات کمتری مستقیماً تأثیر اعتماد نهادی بر احساس نگرانی‌های امنیتی را بررسی کرده‌اند؛ با این حال، پژوهش‌های موجود در جدول ۳ نشان می‌دهند که اعتماد به نهادهای اجتماعی و رسمی نقش مهمی در شکل‌دهی احساس امنیت شهروندان دارد. بررسی مطالعات فوق نشان می‌دهد که در ایران و نیز در کشورهای دیگر، رابطه‌ای مستقیم و معنادار میان اعتماد (در سطوح مختلف اجتماعی و نهادی) و احساس امنیت اجتماعی برقرار است. پژوهش‌های داخلی از جمله تحقیقات فعلی و همکاران (۱۳۹۷)، علیزاده اقدم و محمدی (۱۳۹۴) و یاری و هزارجریبی (۱۳۹۱) به‌طور مشخص بر نقش برجسته اعتماد اجتماعی و نهادی در تقویت احساس امنیت در شهروندان ایرانی تأکید دارند.

در سطح بین‌المللی نیز نتایج مطالعات ماتیزویچ و همکاران^۴ (۲۰۲۲) در صربستان و فیتزرن و همکاران^۵ (۲۰۱۶) در آمریکا این الگو را تأیید می‌کنند، به‌گونه‌ای که اعتماد به دولت یا نهادها موجب افزایش امنیت ذهنی و اجتماعی می‌شود؛ درحالی‌که بی‌اعتمادی با افزایش اضطراب و ناامنی همراه است. نقطه اشتراک این پژوهش‌ها تأکید بر پیوستگی میان سرمایه اجتماعی و امنیت ذهنی است، اما تفاوت‌هایی در نوع اعتماد (فردی، نهادی یا تعمیم‌یافته) و پیامدهای روان‌شناختی آن در بافت‌های مختلف فرهنگی و سیاسی دیده می‌شود. این همگرایی نتایج بر اهمیت سیاست‌گذاری در جهت تقویت اعتماد عمومی برای ارتقای امنیت اجتماعی تأکید دارد. تحلیل پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه مطالعات متعددی به‌صورت مجزا روابط میان کنش سیاسی

⁴ Matijević et al.

⁵ Fetzner et al.

¹ Vannucci et al.

² Hughes

³ Turkle

آنلاین، اعتماد نهادی و نگرانی‌های امنیتی را بررسی کرده‌اند، خلا‌های معناداری در ادبیات موجود مشاهده می‌شود؛ نخست آنکه بیشتر پژوهش‌های موجود تنها به روابط دوجانبه میان این متغیرها پرداخته‌اند و تحلیل جامع و ساختاریافته‌ای که تعامل هم‌زمان آن‌ها را در قالب مدلی مفهومی بررسی کند، به‌ندرت صورت گرفته است؛ دوم، در بخش چشمگیری از پژوهش‌های داخلی، به‌ویژه در حوزه تأثیرات کنشگری دیجیتال، به نقش واسط اعتماد نهادی توجه کافی نشده و بیشتر رویکردهای روان‌شناختی یا توصیفی بر تحلیل‌ها حاکم بوده است؛ سوم، در زمینه بررسی پیامدهای امنیتی کنش‌های سیاسی آنلاین با تأکید بر داده‌های ملی، نظیر پیمایش ارزش‌های جهانی، خلأ درخور ملاحظه‌ای در مطالعات پیشین وجود داشت؛ بنابراین، پژوهش حاضر با تلفیق این سه متغیر در چارچوبی نظری و تجربی، بهره‌گیری از داده‌های معتبر ملی و در نظر گرفتن اعتماد نهادی به‌عنوان متغیر میانجی، می‌کوشد این خلأها را پوشش دهد و در جهت توسعه ادبیات نظری و تقویت مبانی سیاست‌گذاری در حوزه حکمرانی دیجیتال و امنیت اجتماعی، گامی مؤثر بردارد.

چارچوب نظری

نظریهٔ حباب‌های فیلتر که پاريسر معرفی کرده است، به فرایندی اشاره دارد که در آن الگوریتم‌های موتورهای جست‌وجو و شبکه‌های اجتماعی با هدایت کاربران به سمت محتوایی مطابق با باورها و رفتارهای پیشینشان سوق داده می‌شوند و این الگوریتم‌ها برای افزایش تعامل، محتوا را براساس داده‌های رفتاری و جمعیتی اولویت‌بندی می‌کنند و در نتیجه کاربران کمتر در معرض دیدگاه‌های مخالف قرار می‌گیرند که این امر می‌تواند به تقویت سوگیری‌ها و شکل‌گیری اتاق‌های پژواک ایدئولوژیک منجر شود (Pariser, 2012)؛ درحالی‌که کاربران از این فیلترینگ ناآگاه‌اند و الگوریتم‌ها بدون شفافیت، جریان

اطلاعات را کنترل می‌کنند و برخلاف رسانه‌های سنتی که در نظارت انسانی هستند، این الگوریتم‌های نامرئی نگرانی‌هایی را دربارهٔ تأثیر بر گفتمان عمومی، فرایندهای دموکراتیک و استقلال فردی ایجاد کرده‌اند؛ زیرا تماس مداوم با محتوای همسو می‌تواند به قطبی‌شدن، گمراهی و کاهش گفت‌وگوهای سازنده بینجامد (Bozdag & Van, 2015)؛ در این راستا، در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی تحقیقات نشان داده‌اند که چنین حباب‌هایی می‌توانند با تقویت دیدگاه‌های حزبی و جلوگیری از مواجهه با ضدروایت‌ها، شکاف‌های سیاسی را تشدید کنند و تولدایی ارزیابی انتقادی را کاهش دهند (Flaxman et al., 2016)؛ به‌طوری‌که در بلندمدت این روند به شکل‌گیری فضای عمومی قطبی‌شده منجر می‌شود که افراد در آن به‌جای گفت‌وگوی متقابل، در انزوای ایدئولوژیک باقی می‌مانند (Wolfowicz et al., 2023)؛ بنابراین، سوگیری تأیید^۱ نقش محوری در شکل‌گیری و تقویت حباب‌های فیلتر دارد؛ زیرا افراد تمایل دارند اطلاعاتی را بپذیرند که با باورهای پیشینشان همخوانی دارد و از محتوای مخالف دوری کنند؛ به‌عبارت دیگر، الگوریتم‌های دیجیتال با شخصی‌سازی محتوا براساس رفتارهای گذشته کاربران مانند لایک‌ها و کلیک‌ها، این سوگیری را تشدید می‌کنند و باعث می‌شوند کاربران در چرخه‌ای بسته قرار گیرند که تنها با دیدگاه‌های همسو مواجه شوند و از دیدگاه‌های مخالف دور بمانند (Shcherbakova & Nikiforchuk, 2022).

در ادامهٔ این چارچوب، مفهوم «اتاق‌های پژواک» به‌عنوان پیامد مستقیم حباب‌های فیلتر، وضعیت اطلاعاتی کاربران را در فضای مجازی بیشتر روشن می‌سازد و نشان می‌دهد که چگونه مواجههٔ گزینشی با اطلاعات همسو، به قطبی‌سازی سیاسی و تضعیف تفکر انتقادی منجر می‌شود. این وضعیت در رسانه‌های اجتماعی و جوامع آنلاین با بازنشر مکرر اطلاعات تأییدکننده و حذف دیدگاه‌های

¹ Confirmation bias

حرکت می‌کند که در آن نه تنها بی‌اعتمادی به نهادها تشدید می‌شود، بلکه امکان سازش سیاسی کاهش می‌یابد و فضای اجتماعی برای بروز اعتراضات و تنش‌های جدید فراهم می‌شود. پلتفرم‌های دیجیتال با تقویت سوگیری تأییدی، از یک‌سو، دوقطبی‌شدن جامعه و کاهش درک متقابل میان گروه‌های مختلف را تشدید می‌کنند و از سوی دیگر، با تضعیف اعتماد به نهادهای رسمی و غیررسمی انسجام اجتماعی را فرسوده می‌سازند؛ در چنین شرایطی، تقویت گفت‌وگوهای متخصصان و از بین رفتن ظرفیت مصالحه می‌تواند به ناپایداری اجتماعی دامن بزند (Lee, 2022; Haider, 2024: 23).

این تضعیف اعتماد به نهادهای سیاسی و امنیتی در سطح ذهنی، آثاری بر ادراک شهروندان از تهدیدات امنیتی بر جای می‌گذارد؛ به این معنا که کاهش اعتماد، احساس ناامنی و نگرانی از تهدیدات را افزایش می‌دهد و به نوعی بر ساخت روان‌شناختی جامعه اثر می‌گذارد. در شرایطی که شهروندان کارآمدی این نهادها را در حفظ ثبات و مقابله با تهدیدات زیر سؤال ببرند، احساس ناامنی به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد؛ زیرا اعتماد عمومی به توانایی دولت در مدیریت بحران‌ها و حفاظت از جامعه تضعیف می‌شود؛ به‌خصوص که مشخص شده است افزایش بی‌اعتمادی سیاسی می‌تواند ارزیابی شهروندان از عملکرد سیاسی در حوزه‌های مختلف صرف‌نظر از عملکرد واقعی تحریف کند (Weinberg, 2023: 136)؛ به عبارت دیگر، بی‌اعتمادی به نهادهای عمومی موجب افزایش بدبینی شهروندان به نهادهای دولتی می‌شود و این احساس، خود چرخه‌ای معیوب ایجاد می‌کند؛ چرخه‌ای که در آن بدبینی شهروندان به نهادهای دولتی، نظارت و مطالبه‌گری را تضعیف کرده و عملکرد حکومت را واقعاً مختل می‌کند که به نوبه خود برداشت شهروندان را از ناکارآمدی دولت تقویت کرده و بحران مشروعیت را تشدید می‌کند (Uslaner, 2018). این بی‌اعتمادی همچنین به افزایش گردش اطلاعات نادرست و شایعات در فضای عمومی

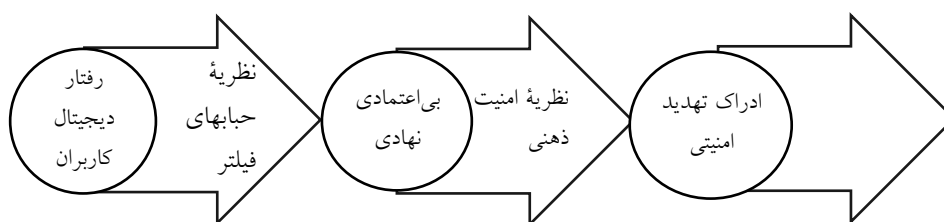
مخالف تشدید می‌شود. الگوریتم‌های شخصی‌سازی با نمایش محتوای همسو با علایق کاربران، موجب شکل‌گیری «حباب‌های فیلتر» و در نتیجه قطبی‌شدن، تضعیف تفکر انتقادی و محدودیت شناختی می‌شوند (Wolfowicz et al., 2023). در این میان، مفهوم «کریستال الگوریتمی» نیز نشان می‌دهد که کنش‌های آنلاین کاربران همچون لایک، اشتراک‌گذاری و اظهارنظر، الگوریتم‌ها را به سمت تقویت حباب‌های فیلتر هدایت می‌کند؛ زیرا این الگوریتم‌ها با تحلیل این کنش‌ها محتوای همسو با باورهای پیشین کاربران را در اولویت قرار می‌دهند و محتوای چالش‌برانگیز را حذف می‌کنند (Lee et al., 2022)، روندی که نه تنها به شکل‌گیری فضاهای اطلاعاتی بسته منجر می‌شود، بلکه با تقویت محتوای همسو از طریق مشارکت‌های آنلاین مانند اشتراک‌گذاری اخبار یا عضویت در گروه‌های ایدئولوژیک، کاربران را بیش‌ازپیش در عمق اتاق‌های پژواک فرو می‌برد (Spohr, 2017).

براساس پیامدهای این فرایند، می‌توان پیوند مستقیمی میان شکل‌گیری حباب‌های اطلاعاتی و تضعیف اعتماد نهادی برقرار کرد؛ به‌ویژه آنجا که پروپاگاندای رایانشی با بهره‌گیری از همین سازوکارهای الگوریتمی، افکار عمومی را به‌طور هدفمند دستکاری می‌کند (وولی و ان. هاوارد، ۱۴۰۰). در این بستر، الگوریتم‌های شخصی‌سازی محتوا، کاربران را در معرض اطلاعاتی قرار می‌دهند که گرایش‌های انتقادی آنان به نهادهای رسمی را تقویت می‌کند و در عین حال، دیدگاه‌های متعادل یا اصلاحیه‌های رسمی را از دید آنان پنهان می‌سازند؛ این فرایند به قطبی‌شدن سیاسی و اجتماعی، بازتولید و تقویت باورهای انتقادی، کاهش مواجهه با دیدگاه‌های مخالف و شکل‌گیری بازخوردهای تقویت‌شونده منجر می‌شود که در آن افراد تنها با محتوای تأییدکننده باورهای پیشین خود مواجه‌اند (Persily & Tucker, 2020: 34; Rahbarqazi & Nourbakhsh, 2023; Mahmoudoghli, 2021). در نتیجه، جامعه به سوی تفکیک ایدئولوژیک عمیق‌تری

منجر می‌شود و افراد را به سمت منابع غیررسمی سوق می‌دهد که بیشتر ناقص، جهت‌دار یا حتی نادرست هستند و می‌توانند ترس‌هایی غیرمنطقی یا بزرگ‌نمایی‌شده ایجاد کنند (Mooney, 2018)؛ علاوه‌براین، کاهش مشروعیت دولت در نتیجه بی‌اعتمادی، از میزان همکاری شهروندان با نهادهای سیاسی می‌کاهد (Jackson et al., 2013: 40) و در نتیجه، شناسایی و مهار تهدیدات را دشوارتر می‌کند. در چنین فضایی، گروه‌های داخلی یا بازیگران خارجی می‌توانند از طرق مختلف از جمله فعالیت در فضای مجازی از این ضعف برای تشدید بحران‌های امنیتی و اجتماعی، خواه از طریق تبلیغات و جنگ روانی، خواه از طریق اقدامات مستقیم مانند حملات سایبری یا عملیات نفوذ استفاده کنند و در نتیجه، بی‌اعتمادی نه تنها باعث افزایش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات واقعی می‌شود، بلکه از طریق برداشت‌های نادرست و تحریف فرایند تصمیم‌گیری و پیشبرد نظریه‌های توطئه، احساس خطر و تهدید در میان شهروندان را به دلیل احساس ناکارآمدی نهادهای سیاسی و امنیتی نیز تشدید می‌کند (Balmas, 2014; Vosoughi et al., 2018; Lau et al., 2008). با تلفیق این نظریه‌ها می‌توان مدل میانجیگری اعتماد نهادی را تبیین کرد؛ به گونه‌ای که نظریه فیلتر حباب‌ها و اتاق‌های پژواک، مسیر کاهش اعتماد نهادی را توضیح می‌دهند و نظریه امنیت ذهنی روشن می‌سازد که چگونه این کاهش اعتماد به صورت ذهنی احساس تهدید را تشدید می‌کند. نظریه فیلتر حباب‌ها و اتاق‌های پژواک نشان می‌دهند که کنش‌های سیاسی آنلاین، به واسطه الگوریتم‌های شخصی‌سازی شده، سبب تشدید مواجهه گزینشی با محتوای انتقادی به نهادهای رسمی می‌شوند (Rhodes,

2022) و این فرایند نه تنها اعتماد به نهادها را کاهش می‌دهد (Nguyen, 2020)، بلکه با افزایش مواجهه با اخبار منفی و تهدیدمحور، اضطراب و نگرانی امنیتی را نیز افزایش می‌دهد (Barbera, 2020)؛ اما آنچه این میانجیگری را از حیث نظری موجه می‌سازد، مفهومی است که در نظریه امنیت ذهنی مطرح شده است؛ در این راستا، از منظر نظریه امنیت ذهنی^۱، احساس امنیت و فقدان نگرانی‌های امنیتی بیش از آنکه به واقعیت‌های عینی تهدید مرتبط باشد، تابعی از امر ذهنی اعتماد به سازوکارهای مقابله با تهدیدات تلقی می‌شود (Buzan et al., 2022)؛ به عبارت دیگر، در شرایطی که شهروندان به نهادهای امنیتی و سیاسی اعتماد داشته باشند، حتی در صورت بروز پیام‌ها یا اخباری درباره تهدیدات، سطح نگرانی آن‌ها کمتر خواهد بود؛ زیرا این تهدیدات را کنترل‌شونده یا مدیریت‌شده تلقی می‌کنند (Spadaro et al., 2020). در مقابل، کاهش اعتماد نهادی باعث می‌شود تا تهدیدات نه تنها جدی‌تر تلقی شوند، بلکه احساس بی‌پناهی و بی‌ثباتی در ذهن افراد تقویت شود. در چنین چارچوبی می‌توان گفت که نظریه‌های فیلتر حباب‌ها و اتاق‌های پژواک با تأکید بر نقش رسانه‌های دیجیتال در شکل‌دهی به ادراکات سیاسی و امنیتی، این میانجیگری را از حیث نظری تکمیل می‌کنند؛ زیرا این نظریه‌ها نشان می‌دهند که چگونه الگوریتم‌های شخصی‌سازی شده در رسانه‌های دیجیتال با ایجاد محفظه‌های اطلاعاتی همسو، مواجهه گزینشی با محتوای منفی و انتقادی را تقویت کرده، اعتماد نهادی را تضعیف می‌کنند و از این رهگذر، بستر ذهنی لازم را برای افزایش ادراک تهدیدات و تضعیف احساس امنیت ذهنی فراهم می‌کنند.

¹ Subjective security



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

Fig 1- Conceptual model of the research

بین کنش سیاسی آنلاین و نگرانی از تهدیدات امنیتی با در نظر گرفتن نقش میانجی بی‌اعتمادی سیاسی بهره می‌برد.

جامعه آماری و نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش شامل شهروندان ایرانی شرکت‌کننده در موج هفتم پیمایش ارزش‌های جهانی است^۱. در این پیمایش، داده‌ها از طریق روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده گردآوری شده‌اند. ابتدا کشور براساس دو معیار منطقه جغرافیایی و نوع محل سکونت (شهری و روستایی) طبقه‌بندی شده است. در مرحله بعد، واحدهای نمونه‌گیری اولیه با استفاده از روش انتخاب با احتمال متناسب با اندازه تعیین شده‌اند. در مناطق شهری، نمونه‌گیری براساس کدپستی به عنوان نقطه شروع تصادفی انجام شده، درحالی‌که در مناطق روستایی، انتخاب روستاها با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی و میزان دسترسی صورت گرفته است. در هر خانوار، افراد بر مبنای روش تولد انتخاب شده‌اند. در این نمونه، ۵۱/۱ درصد پاسخ‌دهندگان مرد و ۴۸/۹ درصد زن بوده‌اند، و دامنه سنی آنان از ۱۸ تا ۹۹ سال متغیر بوده است؛ درحالی‌که میانگین سنی آنان ۳۹ سال ثبت شده است. از نظر تحصیلات، ۷۳/۶ درصد از شرکت‌کنندگان دارای سطح تحصیلی فاقد مدرک دانشگاهی بوده و مابقی دارای

شکل مفهومی فوق، بازنمایی گرافیکی از مسیرهای علی میان متغیرهای اصلی پژوهش است که بر مبنای نظریه‌های حباب‌های فیلتر و امنیت ذهنی بنا شده است. مطابق این مدل، کنش سیاسی آنلاین نه تنها تأثیر مستقیمی بر افزایش نگرانی‌های امنیتی دارد، بلکه از طریق تضعیف اعتماد به نهادهای سیاسی و امنیتی به عنوان متغیرهای میانجی، این اثرگذاری را تشدید می‌کند. چنین پیکربندی نظری، با تأکید بر سازوکارهای روان‌شناختی و شناختی حاکم بر فضای مجازی، نشان می‌دهد که چگونه الگوریتم‌های شخصی‌سازی شده و جریان‌های اطلاعاتی سوگیرانه می‌توانند به فرسایش سرمایه نهادی و شکل‌گیری ادراک مبالغه‌آمیز از تهدیدات امنیتی منجر شوند. از این منظر، مدل پیشنهادی پژوهش علاوه بر تبیین روابط علی، بستری برای فهم تعامل پیچیده میان فناوری، روان‌شناسی اجتماعی و سیاست‌گذاری امنیتی فراهم می‌سازد و با ترسیم زنجیره علی میان کنش دیجیتال، بی‌اعتمادی نهادی و احساس ناامنی، پایه‌ای نظری برای تحلیل انتقادی فضای اطلاعاتی ارائه می‌دهد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از روش تحلیل ثانویه برای بررسی رابطه

¹ WVS

چارچوب مفهومی آن هم‌راستا باشند. این گویه‌ها از میان داده‌های موج هفتم پیمایش ارزش‌های جهانی انتخاب شده‌اند که از نظر روایی و پایایی در سطح بین‌المللی تأیید شده‌اند؛ در این راستا متغیرها و شاخص‌های مربوط به هرکدام از آنها عبارت‌اند از:

کنش سیاسی آنالاین: کنش سیاسی آنالاین یا همان کنش دیجیتال، شکلی از کنشگری است که از اینترنت و رسانه‌های دیجیتال به‌عنوان بسترهای اصلی برای بسیج جمعی و اقدام سیاسی استفاده می‌کند (Fuentes, 2023). شاخص‌های متغیر کنش سیاسی آنالاین به‌گونه‌ای انتخاب شده‌اند که طیفی از اشکال متداول مشارکت سیاسی در فضای دیجیتال را پوشش دهند. به‌منظور سنجش این متغیر از چهار گویه استفاده شد که عبارت‌اند از: جست‌وجوی اطلاعات دربارهٔ سیاست و رویدادهای سیاسی، امضای دادخواست الکترونیکی، تشویق دیگران به اقدام سیاسی، سازمان‌دهی فعالیت‌ها، رویدادها و اعتراضات سیاسی.

اعتماد به نهادهای سیاسی: اعتماد به نهادهای سیاسی به میزان اطمینان و باور شهروندان به مشروعیت، کارآمدی و صداقت نهادهای حکومتی و تصمیم‌گیری‌های آن‌ها گفته می‌شود (Uslaner, 2018). در پژوهش حاضر به‌منظور سنجش این متغیر از چهار گویهٔ اعتماد به حکومت، اعتماد به احزاب سیاسی، اعتماد به پارلمان، اعتماد به انتخابات استفاده شده است که همگی نمایانگر عناصر کلیدی نظام سیاسی در سطح ملی هستند و با ساختار مفهومی اعتماد سیاسی در ادبیات علمی بین‌المللی همخوانی دارند.

اعتماد به نهادهای امنیتی: در این پژوهش منظور از اعتماد به نهادهای امنیتی میزان اطمینان و باور مردم به توانایی و صداقت سازمان‌های مسئول حفظ امنیت و نظم عمومی در جامعه است. به‌منظور سنجش این متغیر از سه گویه استفاده شده است که عبارت از میزان اعتماد شهروندان به نیروهای مسلح، اعتماد به پلیس، اعتماد به قوهٔ قضاییه و دادگاه‌ها هستند که به‌عنوان بازیگران اصلی

تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند. از نظر سطح درآمد، ۴۲ درصد در گروه درآمدی پایین، ۵۱/۶ درصد در سطح متوسط و ۶/۴ درصد در گروه درآمدی بالا قرار داشته‌اند. همچنین، ۷۴ درصد از پاسخ‌گویان در مناطق شهری و ۲۶ درصد در مناطق روستایی سکونت داشته‌اند (Haerpfer et al., 2020).

روش تحلیل داده‌ها: برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی بهره گرفته شده است. در مرحلهٔ نخست، تحلیل توصیفی به‌منظور بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و شاخص‌های آماری متغیرهای پژوهش انجام شده است. در مرحلهٔ بعد، برای بررسی روابط بین متغیرها و تحلیل نقش میانجی بی‌اعتمادی سیاسی، از مدل‌سازی حداقل مربعات جزئی با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس استفاده شده است. انتخاب نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس در این پژوهش باتوجه به ماهیت مدل مفهومی، ویژگی‌های داده‌ها و اهداف تحلیلی صورت گرفته است. از آنجاکه مدل پژوهش با تلفیق مفاهیم نوینی چون کنش سیاسی آنالاین، اعتماد نهادی و تهدیدات امنیتی، ساختاری نسبتاً اکتشافی (هرچند به‌صورت غیرمستقیم پژوهش‌هایی در این زمینه صورت گرفته است، پژوهش‌های زیادی در زمینهٔ تهدیدات امنیتی صورت نگرفته است) دارد، استفاده از رویکرد حداقل مربعات جزئی مناسب‌تر از روش‌های کوواریانس محور است؛ افزون بر این، داده‌های پژوهش از نوع تحلیل ثانویه بوده و برخی متغیرها فاقد شرط نرمال بودن داده‌ها بودند؛ بنابراین، انتخاب نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس امری روشمند و قابل دفاع محسوب می‌شود.

تعریف متغیرها و ابزار اندازه‌گیری

در انتخاب شاخص‌های مربوط به هریک از متغیرهای پژوهش تلاش شده است از گویه‌هایی استفاده شود که ضمن برخورداری از پشتوانهٔ نظری، با اهداف پژوهش و

تهدیدات امنیتی یعنی جنگ بین‌المللی، حملات تروریستی و جنایات داخلی تنظیم شده‌اند که نمایانگر ابعاد گوناگون احساس ناامنی در سطح فردی و اجتماعی هستند.

یافته‌های پژوهش

هدف اصلی پژوهش حاضر، آزمون مدل مفهومی پژوهش (شکل ۱) است. برای این منظور، ابتدا آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه شد تا ویژگی‌های داده‌ها مشخص شود. سپس، مدل‌های اندازه‌گیری متغیرها ارزیابی شدند تا روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری تأیید شود و در نهایت، با استفاده از روش حداقل مربعات جزئی و نرم‌افزار اسمارت پی.ال.اس فرضیات پژوهش آزمون شدند.

در حفظ امنیت داخلی و خارجی کشور، مبنای سنجش اعتماد عمومی در حوزه امنیتی محسوب می‌شوند. شایان ذکر است که اگرچه نیروهای مسلح، پلیس و قوه قضاییه از نظر ماهوی و کارکردی تفاوت‌هایی دارند، به دلیل نقش مشترک آن‌ها در حفظ امنیت جامعه به عنوان شاخص‌های اصلی این متغیر انتخاب شده‌اند.

نگرانی از تهدیدات امنیتی: نگرانی از تهدیدات امنیتی به نگرانی‌ها و اضطراب فرد از وقوع خطرات و تهدیدات امنیتی مانند جنگ‌های بین‌المللی، حملات تروریستی و جنایات داخلی اشاره دارد. این نوع نگرانی‌ها می‌توانند تأثیرات روانی و اجتماعی درخور توجهی بر فرد و جامعه داشته باشند و معمولاً به دلیل عدم اطمینان و کنترل فرد نسبت به وقوع چنین حوادثی ایجاد می‌شود. اندازه‌گیری نگرانی‌های امنیتی بر پایه سه مصداق رایج و بین‌المللی

جدول ۴- نتایج آمار توصیفی، بارهای عاملی، روایی همگرا و پایایی ترکیبی

Table 4- Descriptive statistics, factor loadings, convergent validity, and composite reliability

تعداد استاندارد	بار عاملی	استخراج شده	پایایی ترکیبی	گویه	گویه	گویه
۱/۶۷	۰/۷۳	۰/۵۴	۰/۸۲	گوینه ۲۱۷	گوینه ۲۱۸	کنش سیاسی آنلاین
۰/۵۳	۰/۷۴			گوینه ۲۱۹		
	۰/۷۱			گوینه ۲۲۰		
۰/۷۵	۰/۸۷	۰/۵۹	۰/۸۵	گوینه ۶۵	گوینه ۶۹	اعتماد به نهادهای امنیتی
۰/۶۷	۰/۸۰			گوینه ۷۰		
۰/۷۷	۰/۸۰	۰/۵۴	۰/۸۵	گوینه ۷۱	گوینه ۷۲	اعتماد به نهادهای سیاسی
۰/۸۰	۰/۷۹			گوینه ۷۳		
۰/۵۹	۰/۷۵			گوینه ۷۶		
۰/۶۶	۰/۷۷	۰/۵۵	۰/۷۸	گوینه ۱۴۶	گوینه ۱۴۷	تهدیدات امنیتی
۰/۶۸				گوینه ۱۴۸		

میانگین و انحراف استاندارد گویه‌ها از اهمیت بسیاری

باتوجه به دامنه نمرات در متغیرهای پژوهش، تحلیل

برخوردار است. کنش سیاسی آنلاین که در بازه ۱ تا ۳ ارزیابی شده است، دارای میانگین $1/67$ و انحراف استاندارد $0/53$ است که بیانگر سطح کم مشارکت در کنش‌های سیاسی آنلاین و همگونی نسبی پاسخ‌ها در این زمینه است. در مقابل، سایر متغیرها که در بازه ۱ تا ۴ قرار داشته‌اند، توزیع متفاوتی را نشان می‌دهند. به‌طور خاص، اعتماد به نهادهای امنیتی (میانگین $3/29$ ، انحراف استاندارد $0/67$) حاکی از سطح بالاتر اعتماد است، درحالی‌که اعتماد به نهادهای سیاسی (میانگین $2/54$ ، انحراف استاندارد $0/80$) افت نسبی در میزان اعتماد را نشان می‌دهد که می‌تواند ناشی از ارزیابی متفاوت پاسخ‌دهندگان از عملکرد این نهادها باشد. درباره نگرانی از تهدیدات امنیتی با میانگین $2/01$ و انحراف استاندارد $0/66$ نشان می‌دهد که درک کلی از تهدیدات امنیتی در سطحی نسبتاً کم تا متوسط قرار دارد؛ اما پراکندگی پاسخ‌ها حاکی از تنوع نگرش‌ها در میان جامعه نمونه است؛ این امر می‌تواند ناشی از تفاوت در تجربیات، میزان دسترسی به اطلاعات امنیتی یا سطح کلی آگاهی افراد از

تهدیدات موجود باشد.

نتایج حاصل از تحلیل میانگین واریانس استخراج‌شده^۱ و پایایی ترکیبی^۲ نشان‌دهنده میزان روایی همگرا و قابلیت اطمینان سازه‌ها در مدل اندازه‌گیری است. مطابق استانداردهای پذیرفته‌شده در مدل‌سازی معادلات ساختاری، مقدار میانگین واریانس استخراج‌شده بالاتر از $0/50$ دلالت بر کفایت واریانس استخراج‌شده و تأیید روایی همگرا دارد (Fornell & Larcker, 1981). در مطالعه حاضر، تمامی متغیرها حد آستانه $0/50$ را گذرانده‌اند، اگرچه مقادیر مربوط به نگرانی از تهدیدات امنیتی ($0/54$) و کنش سیاسی آنلاین ($0/54$) در محدوده حداقلی قرار دارند. همچنین، پایایی ترکیبی که معیاری در سنجش قابلیت اطمینان سازه‌ها محسوب می‌شود، در تمامی متغیرها از حد آستانه $0/70$ فراتر رفته است که این امر نشان‌دهنده انسجام درونی قابل قبول گویه‌های مرتبط با هر متغیر است. این یافته‌ها مؤید آن است که مدل اندازه‌گیری از قابلیت اطمینان کافی برخوردار است و از لحاظ روایی همگرا در سطحی قابل قبول قرار دارد.

جدول ۵- بررسی روایی تشخیصی متغیرهای پژوهش با شاخص روایی یگانه-دوگانه

Table 5 - Heterotrait-monotrait ratio (HTMT) for discriminant validity assessment

اعتماد به نهادهای امنیتی اعتماد به نهادهای سیاسی نگرانی‌های امنیتی کنش سیاسی آنلاین			
اعتماد به نهادهای امنیتی			
			$0/70$
اعتماد به نهادهای سیاسی			
		$0/35$	
نگرانی‌های امنیتی			
	$0/41$		
کنش سیاسی آنلاین			
	$0/31$	$0/24$	
	$0/46$		

جدول ارائه‌شده نشان‌دهنده ماتریس خصیصه متفاوت - خصیصه یکسان^۳ است که برای بررسی روایی تشخیصی در مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده می‌شود. شاخص روایی یگانه-دوگانه بیانگر میزان تمایز بین سازه‌های پژوهش است و مقادیر آن باید معمولاً کمتر

از $0/85$ یا در برخی منابع، کمتر از $0/90$ باشند تا روایی ممیز تأیید شود (Henseler et al., 2015). بررسی مقادیر نشان می‌دهد که مقدار یگانه-دوگانه بین متغیرهای مختلف پژوهش نشان می‌دهد که از آنجایی که تمامی مقادیر روایی یگانه-دوگانه در این مدل زیر $0/85$ قرار

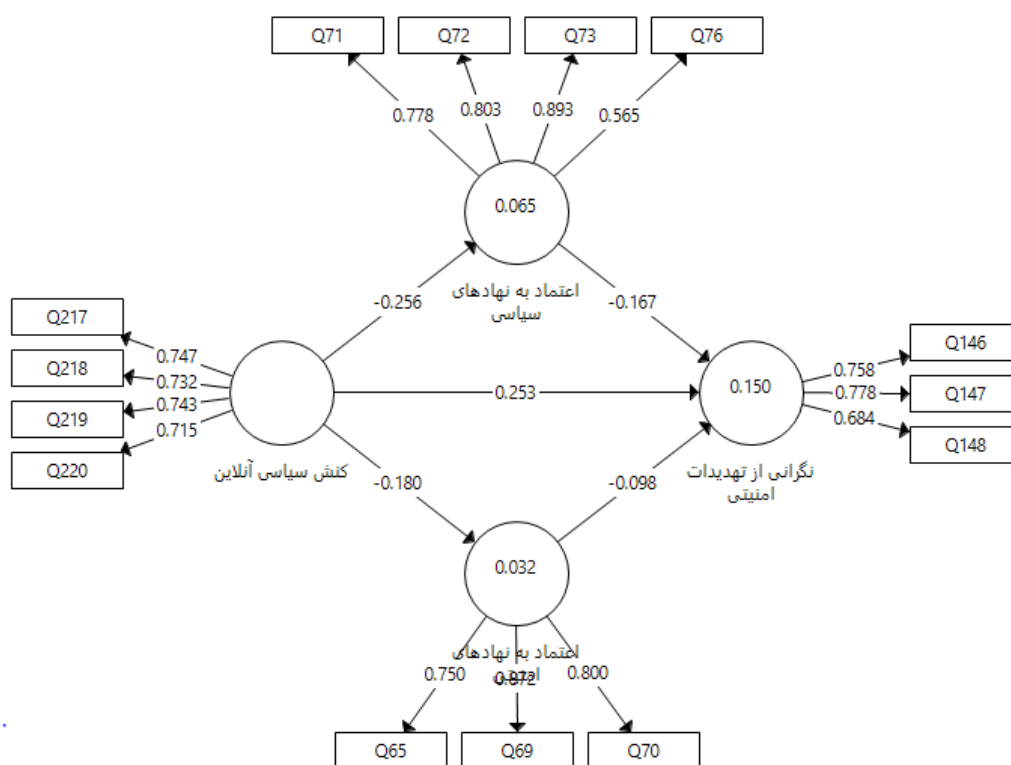
³ HTMT

¹ AVE

² CR

برازش مدل نشان می‌دهد که مدل به‌طور کلی عملکرد قابل‌قبولی دارد. شاخص ریشه میانگین مربعات باقی‌مانده استاندارد^۱ برابر ۰/۰۸ است که نشان‌دهنده‌ی برازش مناسب مدل است.

دارند، می‌توان نتیجه گرفت که روایی تشخیصی بین سازه‌های پژوهش تأیید می‌شود و این سازه‌ها از یکدیگر به‌خوبی متمایز هستند که نشان از کیفیت مناسب مدل اندازه‌گیری دارد. همچنین، نتایج مدل برازش کلی براساس



شکل ۲- ضرایب مربوط به فرضیات پژوهش

Fig 2- Coefficients related to the research hypotheses

آنلاین به کاهش اعتماد به نهادهای سیاسی منجر می‌شود. درمقابل، ضریب مسیر ۰/۲۵ میان کنش سیاسی آنلاین و نگرانی از تهدیدات امنیتی مثبت است که به این معناست که افزایش کنش سیاسی آنلاین با افزایش نگرانی‌ها از تهدیدات امنیتی همراه است. ضریب مسیر بین اعتماد به نهادهای امنیتی و نگرانی از تهدیدات امنیتی در مدل پژوهش به اندازه ۰/۰۹- و ضریب مسیر بین اعتماد به نهادهای سیاسی و نگرانی از تهدیدات امنیتی برابر ۰/۱۶- است. این ضرایب منفی نشان‌دهنده رابطه معکوس میان اعتماد به نهادهای سیاسی و امنیتی با نگرانی از تهدیدات

شکل ۲ ضرایب تأثیر متغیرهای پژوهش و همچنین ضریب تعیین متغیرها را نشان می‌دهد. ضرایب مسیر نشان‌دهنده روابط علی میان متغیرهای اعتماد به نهادهای امنیتی، اعتماد به نهادهای سیاسی، نگرانی از تهدیدات امنیتی و کنش سیاسی آنلاین است. نتیجه حاصل از ضریب مسیر ۰/۱۸- میان کنش سیاسی آنلاین و اعتماد به نهادهای امنیتی بیانگر آن است که افزایش کنش سیاسی آنلاین با کاهش اعتماد به نهادهای امنیتی مرتبط است. به‌طور مشابه، ضریب مسیر ۰/۲۵- بین کنش سیاسی آنلاین و اعتماد به نهادهای سیاسی نیز نشان می‌دهد که افزایش کنش سیاسی

¹ SRMR

امنیتی هستند؛ به عبارت دیگر، افزایش اعتماد به نهادهای سیاسی و امنیتی ممکن است موجب احساس امنیت و آرامش بیشتر در افراد شود که در نتیجه، نگرانی آن‌ها از تهدیدات امنیتی کاهش می‌یابد. این یافته‌ها حاکی از این است که در شرایطی که نهادهای سیاسی و امنیتی مورد اعتماد هستند، افراد احتمالاً احساس می‌کنند که تهدیدات

امنیتی به خوبی مدیریت می‌شوند و بنابراین، نگرانی کمتری در این زمینه دارند؛ سرانجام، ضریب تعیین $0/150$ نشان می‌دهد که مدل آزمون‌شده در این پژوهش توانسته است 15 درصد از واریانس و تغییرات نگرانی‌های امنیتی را تبیین کند.

جدول ۶- ضرایب معناداری t مربوط به فرضیات اصلی

Table 6- T-statistics coefficients for the main hypotheses

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	ضریب تأثیر	T	سطح معنی داری
کنش سیاسی آنلاین		اعتماد به نهادهای سیاسی	$-0/25$	$10/62$	$0/00$
کنش سیاسی آنلاین		اعتماد به نهادهای امنیتی	$-0/18$	$7/36$	$0/00$
کنش سیاسی آنلاین		تهدیدات امنیتی	$0/25$	$10/20$	$0/00$
کنش سیاسی آنلاین	اعتماد به نهادهای سیاسی	تهدیدات امنیتی	$0/04$	$4/98$	$0/00$
کنش سیاسی آنلاین	اعتماد به نهادهای امنیتی	تهدیدات امنیتی	$0/02$	$2/88$	$0/00$

نتایج تحلیل ضرایب تأثیر و معناداری t در جدول فوق نشان‌دهنده روابط پیچیده و چندوجهی میان کنش سیاسی آنلاین، اعتماد نهادی و تهدیدات امنیتی است. ضرایب تأثیر منفی برای رابطه میان کنش سیاسی آنلاین و اعتماد به نهادهای سیاسی و اعتماد به نهادهای امنیتی بیانگر آن است که افزایش کنش سیاسی آنلاین به کاهش سطح اعتماد عمومی به این نهادها منجر می‌شود. این یافته‌ها با دیدگاه‌هایی هم‌راستا هستند که کنشگری سیاسی در فضای دیجیتال را عامل افشای ناکارآمدی‌ها و برجسته‌سازی شکاف‌های نهادی در نظام‌های حکمرانی می‌دانند. به عبارتی، مشارکت آنلاین به واسطه افشاگری، تسریع در گردش اطلاعات انتقادی و افزایش آگاهی عمومی می‌تواند مشروعیت نهادی را به چالش بکشد و در نتیجه باعث فرسایش اعتماد به نهادهای سیاسی و امنیتی شود. در مقابل، رابطه مستقیم میان کنش سیاسی آنلاین و تهدیدات امنیتی حاکی از آن است که افزایش فعالیت‌های سیاسی در فضای دیجیتال با رشد مخاطرات امنیتی هم‌پسته است. این یافته با نظریه‌های مرتبط با بسیج اجتماعی، ناامنی سایبری و بی‌ثباتی سیاسی همخوانی

دارد؛ به‌ویژه در شرایطی که کنشگری دیجیتال به ابزار انتشار نارضایتی‌های سیاسی، بسیج اعتراضات و تشدید تنش‌های اجتماعی تبدیل می‌شود؛ در چنین شرایطی، فضای دیجیتال می‌تواند به بستری برای تسریع و تشدید تهدیدات امنیتی بدل شود، به‌ویژه در جوامعی که زیرساخت‌های حکمرانی دیجیتال ضعیف است و نهادهای امنیتی در مواجهه با کنش‌های سیاسی آنلاین دچار چالش‌های تنظیمی و اجرایی هستند.

همچنین، با توجه به ضرایب تأثیر بسیار کم مسیرهای میانجی و با وجود معناداری آماری آن‌ها (سطح معناداری $0/00$ و مقادیر t بالاتر از $1/96$)، می‌توان استدلال کرد که نقش میانجیگری اعتماد نهادی در این مدل ضعیف و محدود است؛ بنابراین، اگرچه مسیر میانجیگری از نظر آماری تأیید شده است، از لحاظ شدت اثرگذاری، قدرت تبیینی محدودی دارد. این یافته حاکی از آن است که بخش اعظم تأثیر کنش سیاسی آنلاین بر نگرانی‌های امنیتی به صورت مستقیم اعمال می‌شود و نقش میانجی اعتماد نهادی در این میان، به صورت جزئی و ضعیف عمل می‌کند. البته شایان ذکر است که در مطالعات سیاسی با

استفاده از داده‌های پیمایش ملی، گاهی حتی اثرات آماری ضعیف می‌توانند در مقیاس کلان، پیامدهای عملی گسترده‌ای به دنبال داشته باشند؛ زیرا باتوجه به اهمیت فوق‌العاده متغیر وابسته تهدیدات امنیتی و پیامدهای آن بر جامعه، این تبیین‌های ضعیف توسط متغیرهای میانجی نیز می‌توانند مهم تلقی شوند؛ در نتیجه، اگرچه میانجیگری اعتماد نهادی از حیث آماری جزئی و ضعیف است، به دلیل زمینه فرهنگی و سیاسی خاص، دارای اهمیت نظری و سیاستی محسوسی است که نباید از نظر دور بماند.

بحث و نتیجه

یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده روابط پیچیده و چندوجهی میان کنش سیاسی آنلاین، اعتماد نهادی (شامل اعتماد به نهادهای سیاسی و امنیتی) و نگرانی از تهدیدات امنیتی در میان شهروندان ایرانی است. این یافته‌ها با چارچوب نظری پژوهش، به‌ویژه نظریه حباب‌های فیلتر و مفاهیم مرتبط مانند اتاق‌های پژواک و پروپاگاندا راینشسی همخوانی دارد و درعین حال ابعاد جدیدی به ادبیات موجود اضافه می‌کند.

براساس یافته‌های پژوهش کنش سیاسی آنلاین با ضرایب منفی بر اعتماد به نهادهای سیاسی و اعتماد به نهادهای امنیتی تأثیر می‌گذارد و به کاهش اعتماد عمومی به این نهادها منجر می‌شود. این یافته با نظریه حباب‌های فیلتر (Pariser, 2012) و کریستال الگوریتمی (Lee et al., 2022) هم‌راستاست که تأکید دارند الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی با تقویت محتوای همسو با باورهای کاربران، دیدگاه‌های انتقادی به نهادهای رسمی را برجسته می‌کنند و اعتماد به این نهادها را تضعیف می‌کنند. به‌خصوص، پروپاگاندا راینشسی (وولی و هاوارد، ۱۴۰۰) با انتشار اطلاعات گمراه‌کننده، نقش مهمی در فرسایش اعتماد نهادی ایفا می‌کند و این فرایند در ایران، که محدودیت‌های رسانه‌ای سنتی، شهروندان را به سمت منابع آنلاین سوق داده، تشدید می‌شود (Rahbarqazi &

Baghban, 2019). یافته‌های پژوهش همچنین با مطالعات قبلی مانند سردارنیا و همکاران (۱۴۰۰) و کلاین و رایسون (2020) همخوانی دارد که نشان دادند شبکه‌های اجتماعی می‌توانند اعتماد نهادی را به‌ویژه در محیط‌های قطبی‌شده کاهش دهند.

همچنین، ضریب تأثیر مثبت کنش سیاسی آنلاین بر نگرانی از تهدیدات امنیتی نشان‌دهنده نقش این کنش‌ها در افزایش اضطراب و احساس ناامنی است. این نتیجه با استدلال تورکل (2011) مبنی بر گسترش اضطراب از سطح روان‌شناختی به حوزه‌های اجتماعی و سیاسی هم‌راستاست؛ در این راستا، استدلال می‌شود که الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی با تقویت محتوای احساسی و تهدیدمحور، احساس ناامنی را تشدید می‌کنند (Spohr, 2017). این یافته همچنین با پژوهش‌های روان‌شناختی مانند غلامی و همکاران (۱۴۰۰) و وانوچی و همکاران (2017) سازگار است که بر ارتباط بین استفاده از اینترنت و افزایش اضطراب تأیید کرده‌اند؛ باین‌حال، نوآوری این پژوهش در بررسی مستقیم تأثیر کنش سیاسی آنلاین بر نگرانی‌های امنیتی است که در مطالعات قبلی کمتر به آن توجه شده است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که در جوامعی با زیرساخت‌های دیجیتال شکننده، کنش‌های آنلاین می‌توانند به‌سرعت به عاملی برای بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی تبدیل شوند، مگر اینکه سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه‌ای برای مدیریت این فضاها طراحی شود.

همچنین، نقش میانجی اعتماد نهادی در رابطه بین کنش سیاسی آنلاین و نگرانی از تهدیدات امنیتی در این پژوهش، اگرچه از نظر آماری معنادار بود، از نظر شدت اثرگذاری، بسیار ضعیف ارزیابی شد؛ به عبارت دیگر، ضرایب میانجیگری برای اعتماد به نهادهای سیاسی و امنیتی، هرچند از آستانه معناداری آماری عبور کرده‌اند، نشان‌دهنده الگویی از میانجیگری جزئی و محدود هستند؛ بنابراین، هرچند شدت اثر مشاهده‌شده در این پژوهش در مقایسه با برخی مطالعات پیشین کمتر است، جهت‌گیری

میان کنش سیاسی آنلاین با نگرانی‌های امنیت ملی از طریق میانجیگری اعتماد به نهادهای سیاسی: یک مدل‌سازی ساختاری» است که با حمایت مالی دانشگاه محقق اردبیلی و در چارچوب قرارداد پژوهشی شماره ۱۴۰۳/د/۹/۲۷۹۴۷ در سال ۱۴۰۳ انجام شده است.

منابع فارسی

پوراکیان، ا. (۱۳۹۴). بررسی میزان استفاده از وسایل ارتباطی نوپدید (اینترنت، ماهواره و تلفن همراه) در بین جوانان و ارتباط آن با اضطراب، استرس و افسردگی. *اصول بهداشت روانی*، ۱۷(۵)، ۲۵۹-۲۵۴. <https://doi.org/10.22038/jfmh.2015.4806>

پورمودت، خ.، و کجاف، م. ب. (۱۳۹۵). بررسی اضطراب اجتماعی در دانش‌آموزان استفاده‌کننده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۶(۲۳)، ۱۰۵۹۳- https://www.socialpsychology.ir/article_62990.html?lang=en

پیران‌نژاد، ع.، و عبادی، ن. (۱۳۹۱). سرمایه سیاسی و اینترنت: بررسی سطح سرمایه سیاسی و تأثیر استفاده از اینترنت بر ابعاد آن. *فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران*، ۷(۲۸)، ۲۶-۱. https://journal.iams.ir/article_136.html?lang=fa

حسن، ن.، و اسماعیلی، م. ر. (۱۴۰۳). شناخت مؤلفه‌های اخبار جعلی شبکه اجتماعی اینستاگرام فارسی بی.بی.سی در اعتراض‌های خیابانی ایران (شهریور تا اسفند ۱۴۰۱). *مطالعات فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی*، ۱(۳)، ۱۵۸-۱۲۹. <https://doi.org/10.22083/cssms.2025.486242.1016>

رهبرقاضی، م. ر.، و نوعی باغبان، س. م. (۱۴۰۱). مشارکت انتخاباتی در ایران: تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم رسانه‌های اجتماعی از طریق ارزش‌های رهایی و سکولاریسم. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۷(۳)، ۸۷-۱۱۶. <https://doi.org/10.22034/ipsa.2022.467>

سردارنیا، خ.، بدری، ک.، و امینی‌زاده، س. (۱۴۰۰). رابطه

کلی رابطه و سازوکار نظری آن با نتایج پژوهش‌هایی چون فعلی و همکاران (۱۳۹۷) و ماتئیویچ و همکاران (2022) هم‌راستاست. در آن مطالعات، اعتماد نهادی عاملی تأثیرگذار بر احساس امنیت معرفی شده است، حال آنکه در پژوهش حاضر، اثر میانجیگری اعتماد نهادی هرچند معنادار، ولی از حیث تجربی ضعیف ارزیابی شد. این تفاوت می‌تواند ناشی از نوع داده‌ها، زمینه جغرافیایی و فرهنگی یا نوع کنشگری سیاسی مطالعه‌شده باشد. از این منظر، یافته‌های پژوهش حاضر، بیشتر مؤید نقش جزئی اما معنادار اعتماد نهادی به‌عنوان عامل تعدیل‌گر در فضای دیجیتال است، به‌ویژه در بستری مانند ایران که بی‌اعتمادی نهادی گاهی از عوامل مزمن و ساختاری تلقی می‌شود.

ازاین‌رو، نتایج این پژوهش بر اهمیت سیاست‌گذاری‌های متوازن در حوزه حکمرانی دیجیتال تأکید دارد؛ به‌گونه‌ای که ضمن پذیرش فضای دیجیتال به‌عنوان بستری برای فعالیت‌های سیاسی، یافته‌ها نشان می‌دهند که بدون مداخلات هدفمند، فضای دیجیتال می‌تواند به بستری برای تشدید قطبی‌سازی، بی‌اعتمادی و ناامنی تبدیل شود. برای مقابله با این چالش‌ها پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاران بر سه محور اصلی تمرکز کنند: نخست، افزایش شفافیت در عملکرد الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی و ایجاد سازوکارهایی برای کاهش تأثیر حباب‌های فیلتر، دوم، تقویت سواد دیجیتال شهروندان به‌منظور توانمندسازی آن‌ها در ارزیابی انتقادی اطلاعات آنلاین و سوم، بازسازی اعتماد نهادی از طریق بهبود عملکرد نهادها و افزایش پاسخ‌گویی آن‌ها به مطالبات عمومی. این اقدامات نه تنها می‌توانند اثرات منفی کنش‌های سیاسی آنلاین را کاهش دهند، بلکه با تقویت سرمایه اجتماعی به انسجام و پایداری اجتماعی کمک کنند.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر، حاصل طرح پژوهشی با عنوان «تحلیل رابطه



- Persian]. <https://magiran.com/p2389869>
- Balmas, M. (2014). When fake news becomes real: Combined exposure to multiple news sources and political attitudes of inefficacy, alienation, and cynicism. *Communication Research*, 41(3), 430–454. <https://doi.org/10.1177/0093650212453600>
- Barash, D. P. (2020). *Threats: Intimidation and its discontents*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780190055295.001.0001>
- Barberá, P. (2020). *Social media, echo chambers, and political polarization*. In N. Persily, & J. A. Tucker (Eds.), *Social Media and Democracy* (pp. 34–55). Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781108890960>
- Bozdag, E., & Van Den Hoven, J. (2015). Breaking the filter bubble: Democracy and design. *Ethics and Information Technology*, 17, 249–265. <https://doi.org/10.1007/s10676-015-9380-y>
- Buzan, B., Wæver, O., & De Wilde, J. (2022). *Security: A new framework for analysis*. Lynne Rienner Publishers. <https://doi.org/10.1515/9781685853808>
- Feli, J., Gorji Karsamei, A., & Siahcheshm, M. (2018). Considering the impact of social assets on social safety (Case study of the local suburb of Sari). *Quarterly of Order and Security Guards*, 11(3), 29–56. [In Persian]. <https://sid.ir/paper/391943/en>
- Fetzner, M. G., Teale Sapach, M. J., Mulvogue, M., & Carleton, R. N. (2016). It's not just about being judged: Interpersonal distrust uniquely contributes to social anxiety. *Journal of Experimental Psychopathology*, 7(1), 31–40. <https://doi.org/10.5127/jep.042414>
- Flaxman, S., Goel, S., & Rao, J. M. (2016). Filter bubbles, echo chambers, and online news consumption. *Public Opinion Quarterly*, 80(S1), 298–320. <https://doi.org/10.1093/poq/nfw006>
- Fornell, C., & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of Marketing Research*, 18(1), 39–50. <https://doi.org/10.2307/3151312>
- Fuentes, M. A. (2023). *Digital activism*. *britannica encyclopedia*. <https://www.britannica.com/topic/digital-activism>
- Gholami, S., Vahedi, S., & Allahdadi, M. (2022). Internet addiction and its relationship with social anxiety and depression of female university students: A cluster analytic approach. *Rooyesh*, 10(10), 275–286. <http://frooyesh.ir/article-1-2980-fa.html> [In Persian].
- Haerpfer, C., Inglehart, R., Moreno, A., Welzel, C., Kizilova, K., Diez-Medrano J., M. Lagos, P. Norris, E. Ponarin, & B. Puranen (Eds.). (2020). *World values survey: round seven – country-pooled datafile version 6.0*. Madrid, Spain & بین شبکه‌های اجتماعی و اعتماد نهادی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز). *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۱۰(۳۶)، ۱۰۱–۱۲۷. <https://doi.org/10.22054/qpps.2020.49810.2449>
- شکرافشان، ن. (۱۳۹۶). رابطه بین هراس اجتماعی، سلامت معنوی و رضایت از زندگی با اعتیاد به اینترنت. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۷(۲۵)، ۷۷–۹۴.
- https://www.socialpsychology.ir/article_63000.html?lang=fa
- علیزاده اقدم، م. ب.، و محمدی، ا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی با ایجاد احساس امنیت انتظامی (مورد مطالعه: جوانان ۱۹–۲۹ ساله شهر تبریز). *دانش انتظامی آذربایجان شرقی*، ۱۷(۱)، ۱–۱۸. <https://www.magiran.com/p2389869>
- غلامی، س.، واحدی، ش.، و الله‌دادی، م. (۱۴۰۰). اعتیاد به اینترنت و ارتباط آن با اضطراب اجتماعی و افسردگی در بین دانشجویان دختر: کاربرد تحلیل خوشه‌ای. *رویش روان‌شناسی*، ۱۰(۱۰)، ۲۷۵–۲۸۶. <http://frooyesh.ir/article-1-2980-fa.html>
- فعلی، ج.، گرجی کرسامی، ع. و سیاه‌چشم، م. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان محلات حاشیه‌نشین شهر ساری). *نظم و امنیت انتظامی*، ۱۱(۳)، ۲۹–۵۶. http://osra.jrl.police.ir/article_91539.html
- وولی، س.، و هاوارد، ف. ا. (۱۴۰۰). دستکاری در رسانه (عباس رضایی تمرین و رسول صفر آهنگ، مترجمان). همشهری.
- یاری، ح.، و هزارجریبی، ج. (۱۳۹۱). بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه). *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی*، ۱(۴)، ۳۹–۵۸. https://ssoss.ui.ac.ir/article_17077.html?lang=en

References

- Alizadeh Aghdam, M. B., & Mohamadi, E. (2015). The role of social trust in creating a disciplinary security feeling (Tabriz city). *Journal of East Azerbaijan Police Science*, (17), 1–18. [In



- <https://doi.org/10.20544/icp.3.7.22.p08>
- Mooney, C. (2018). *Fake news and the manipulation of public opinion*. Reference Point Press, Incorporated.
https://www.google.com/books/edition/Fake_News_and_the_Manipulation_of_Public/UMvIuwEACAAJ?hl=en
- Nguyen, C. T. (2020). Echo chambers and epistemic bubbles. *Episteme*, 17(2), 141–161. <https://doi.org/10.1017/epi.2018.32>
- Pariser, E. (2012). *The filter bubble: how the new personalized web is changing what we read and how we think*. Penguin Books.
https://www.google.com/books/edition/The_Filter_Bubble/me1VAQAACAAJ?hl=en
- Persily, N., & Tucker, J. A. (2020). *Social media and democracy: The state of the field, prospects for reform*. Cambridge University Press.
https://www.google.com/books/edition/Social_Media_and_Democracy/kTaRzQEACAAJ?hl=en
- Pirannejad, A., & Ebbadi, N. (2012). Political capital and the internet: Examining the amount of political capital and the effect of internet usage on it. *Iranian Journal of Management Sciences*, 7(28), 1-26. [In Persian].
https://journal.iams.ir/article_136.html?lang=fa
- Poorakbaran, E. (2015). Assessment of using of emerging communication tools (cell phone, internet and satellite) among young adults and its association with anxiety, depression and stress. *Fundamentals of Mental Health*, 17(5), 254-259. [In Persian].
<https://doi.org/10.22038/jfmh.2015.4806>
- Pourmavadat, K., & Kajbaf, M. B. (2016). Investigation of social anxiety in users of the internet and social networks. *Social Psychology Research*, 6(23), 93-105. [In Persian].
https://www.socialpsychology.ir/article_62990.html?lang=en
- Rahbarqazi, M., & Noei Baghban, S. M. (2022). Electoral participation in Iran: Direct and indirect effects of social media through values of liberation and secularism. *Research Letter of Political Science*, 17(3), 87-116. [In Persian].
<https://doi.org/10.22034/ipsa.2022.467>
- Rahbarqazi, M., & Noei Baghban, S. M. (2019). Social media, political discussion, and political protest: A case study of the 2018 political protests in Iran. *Kome*, 7(2), 89-103.
<https://doi.org/10.17646/kome.75672.33>
- Rahbarqazi, M., & Mahmoudoghli, R. (2021). Modeling social media effects on political distrust in Lebanon. *Communication & Society*, 34(3), 89-102. <https://doi.org/10.15581/003.34.3.89-102>
- Rahbarqazi, M., & Nourbakhsh, S. (2023). The effect of social media on Iranian citizens' electoral participation and political action. *Communication & Society*, 36(2), 89-95.
- Vienna, Austria: JD Systems Institute & WVSA Secretariat.
<https://www.worldvaluessurvey.org/WVSDocumentationWV7.jsp>
- Haider, M. (2024). Political polarization in the digital age: Understanding social dynamics. *Physical Education, Health and Social Sciences*, 2(1), 19-30. <https://journal-of-social-education.org/index.php/Jorunal/article/view/50>
- Hassan, N., & Esmaili, M. R. (2024). *Recognizing the components of fake news on the Persian BBC Instagram social network, Street protests in Iran* (September to March 1401). *Virtual space and social media studies*, 1(3), 129-158. [In Persian].
<https://doi.org/10.22083/cssms.2025.486242.1016>
- Henseler, J., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (2015). A new criterion for assessing discriminant validity in variance-based structural equation modeling. *Journal of the Academy of Marketing Science*, 43(1), 115-135.
<https://doi.org/10.1007/s11747-014-0403-8>
- Hughes, S. (2018). *The effects of social media on depression, anxiety, and stress*. Department of Psychology, Dublin Business School.
<https://esource.dbs.ie/server/api/core/bitstreams/2fa36692-6463-4968-b0bf-f6a112ab7618/content>
- Jackson, D., Lilleker, D., Scullion, R., & Gerodimos, R. (Eds.). (2013). *The media, political participation and empowerment*. Taylor & Francis. <https://doi.org/10.4324/9780203381113>
- Klein, E., & Robison, J. (2020). Like, post, and distrust? How social media use affects trust in government. *Political Communication*, 37(1), 46-64. <https://doi.org/10.1080/10584609.2019.1661891>
- Lau, R. R., Andersen, D. J., & Redlawsk, D. P. (2008). An exploration of correct voting in recent US presidential elections. *American Journal of Political Science*, 52(2), 395-411.
<https://doi.org/10.1111/j.1540-5907.2008.00319.x>
- Lee, A. H. Y. (2022). Social trust in polarized times: How perceptions of political polarization affect Americans' trust in each other. *Political Behavior*, 44(3), 1533-1554.
<https://doi.org/10.1007/s11109-022-09787-1>
- Lee, A. Y., Mieczkowski, H., Ellison, N. B., & Hancock, J. T. (2022). The algorithmic crystal: Conceptualizing the self through algorithmic personalization on TikTok. *Proceedings of the ACM on Human-computer Interaction*, 6(CSCW2), 1-22. <https://doi.org/10.1145/3555601>
- Masoudnia, H., Ghorbani, M., & Stockemer, D. (2023). The (indirect) effect of social media consumption on political distrust in Egypt. *Information Polity*, 28(1), 83-95.
<https://doi.org/10.3233/IP-210006>
- Matijević, B., Ostojić, I., & Jovanović, P. (2022). Institutional trust and perceived sense of security—a comparative analysis. *Security Horizons*, 3(7), 97-106.

- and political trust*. Oxford University Press. https://www.google.com/books/edition/The_Oxford_Handbook_of_Social_and_Political_Communication/mg5EDwAAQBAJ?hl=en&gbpv=0
- Van Der Does, R., Kantorowicz, J., Kuipers, S., & Liem, M. (2021). Does terrorism dominate citizens' hearts or minds? The relationship between fear of terrorism and trust in government. *Terrorism and Political Violence*, 33(6), 1276-1294. <https://doi.org/10.1080/09546553.2019.1608951>
- Vannucci, A., Flannery, K. M., & Ohannessian, C. M. (2017). Social media use and anxiety in emerging adults. *Journal of Affective Disorders*, 207, 163-166. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2016.08.040>
- Von Hippel, C., Sekaquaptewa, D., & McFarlane, M. (2015). Stereotype threat among women in finance: Negative effects on identity, workplace well-being, and recruiting. *Psychology of Women Quarterly*, 39(3), 405-414. <https://doi.org/10.1177/0361684315574501>
- Vosoughi, S., Roy, D., & Aral, S. (2018). The spread of true and false news online. *Science*, 359(6380), 1146-1151. <https://doi.org/10.1126/science.aap9559>
- Weinberg, J. (2023). *Governing in an age of distrust: A comparative study of politicians' trust perceptions and why they matter*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oso/9780198900740.001.0001>
- Wolfowicz, M., Weisburd, D., & Hasisi, B. (2023). Examining the interactive effects of the filter bubble and the echo chamber on radicalization. *Journal of Experimental Criminology*, 19(1), 119-141. <https://doi.org/10.1007/s11292-021-09471-0>
- Woolley, S. C., & Howard, P. N. (2021). *Media manipulation*. (A. Rezaei Samarin & R. Safar Ahang, Trans.). Hamshahri Publications. [In Persian].
- Yari, H., & Hezarjaribi, J. (2013). A study of the relationship between feeling of security and social trust among citizens of Kermanshah city. *Strategic Research on Social Problems*, 1(4), 39-58. [In Persian]. https://ssoss.ui.ac.ir/article_17077.html?lang=en
- <https://doi.org/10.15581/003.36.2.83-95>
- Rhodes, S. C. (2022). Filter bubbles, echo chambers, and fake news: How social media conditions individuals to be less critical of political misinformation. *Political Communication*, 39(1), 1-22. <https://doi.org/10.1080/10584609.2021.1910887>
- Sardarnia, K., Badri, K., & Aminizadeh, S. (2021). Relationship between social networks and institutional trust; Case study: Shiraz University Students. *Political Strategic Studies*, 10(36), 101-127. [In Persian]. <https://doi.org/10.22054/qps.2020.49810.2449>
- Shcherbakova, O., & Nikiforchuk, S. (2022). Social media and filter bubbles. *Scientific Journal of Polonia University*, 54(5), 81-88. <https://doi.org/10.23856/5411>
- Shekrafshan, N., Askarizadeh, Gh., & Bagheri, M. (2017). The relationship between social anxiety, spiritual health, and life satisfaction with Internet addiction. *Social Psychology Research*, 7(25), 77-94. [In Persian]. https://www.socialpsychology.ir/article_63000.html?lang=fa
- Spadaro, G., Gangl, K., Van Prooijen, J. W., Van Lange, P. A., & Mosso, C. O. (2020). Enhancing feelings of security: How institutional trust promotes interpersonal trust. *PloS One*, 15(9), e0237934. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0237934>
- Spohr, D. (2017). Fake news and ideological polarization: Filter bubbles and selective exposure on social media. *Business Information Review*, 34(3), 150-160. <https://doi.org/10.1177/0266382117722446>
- Tucker, J., Guess, A., Barbera, P., Vaccari, C., Siegel, A., Sanovich, S., Stukal, D., & Nyhan, B. (2018). Social media, political polarization, and political disinformation: A review of the scientific literature. *SSRN Electronic Journal*, 1-95. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3144139>
- Turkle, S. (2011). *Alone together: Why we expect more from technology and less from each other*. Basic Books. https://www.mediastudies.asia/wp-content/uploads/2017/02/Sherry_Turkle_Alone_Together.pdf
- Uslaner, E. (2018). *The oxford handbook of social*